

“ساواکیهای مسلمان”، چشم و گوش امام

سرانجام راز “حضور مردم در صحنه” با سخنرانی‌ها و موعظه‌های بی‌دری سرکردگان رژیم بر ملا شد. این روزها نوای گون آزار دولتمردان “مظلوم” و صفحات روزنامه‌های احمر حاکی از اقدام رژیم به سبکی جدید، برای شناسایی، دستگیری و بالطبع اعدام مبارزین سیاسی و اسبدم سازمانهای انقلابی است.

بهبود نسبی سخنگوی دولت در مصاحبه‌ی مطبوعاتی اخیر خود “مردم حاضر در صحنه” را “ساواکی‌های مسلمان” خوانده است. او همچنین از لزوم تشکیل یک سازمان اطلاعاتی وسیع که ناقل اخبار و حتی شایعات مربوط به مبارزات انقلابی مردم و سازمانهای انقلابی به ارگانهای سرکوب باشد سخن رانده است. سازمانی که اعضای آن را “۲۶ میلیون مردم مسلمان” تشکیل میدهند! پس از آن آیت‌الله خمینی نیز خواستار بیرون کشیدن “ضد انقلابیون” و “منافقین” از زیر زمین‌ها شد و برعم اشک این یک‌امر “اسلامی” است که تنها توسط یک تشکیلات وسیع اطلاعاتی که افراد آن را حزب الهی‌های “جسم و گوش امام” تشکیل دهند، انجام پذیراست. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی که بی‌انگیز آتشین‌ترین نقطه نظرات ارتجاع است در شماره‌ی ۶۰۰ خود (۵ شنبه ۱۱ تیر ماه ۱۳۶۰) در دستورالعملی تحت عنوان “چگونه اطلاعات را بدست آوریم؟” از “مردم” (حزب الهی‌ها - جماعت بدستان - فداکاران) می‌خواهد که در “اتوبوس، تاکسی، مطب، بزرگ و اماکن عمومی و...” آنچه را که می‌بینند و می‌شنوند به مسئولین و نهادهای دولتی گزارش دهند. مردم را نازدید بدنی نمایند و خلاصه تعرض و تجاوز به حریم آزادیهای اجتماعی و فردی را به سرحد کمال برسانند. بدین سان رژیم جمهوری اسلامی راه‌نازدهای در مسیر رشد و اعتلای شخصیت انسانی - که متصورا از اهداف اولیه اسلام است - می‌گشاید: جاسوس شدن.

اگر هم اکنون بر طره‌ی هولناکی را که پیش‌پای رژیم دهن‌کشوده است در نظر آوریم، اگر فراموش نکنیم که رژیم جمهوری اسلامی در مدت ۳۰ ماه حاکمیت ارتجاعی خود، در غرقاب جنایت و خیانت غوطه‌ور بوده است. اگر بیاد داشته باشیم که تا بحال چندین هزارتن از مردم ایران

توسط ارتش، پاسداران، دادگاههای انقلاب، حزب الهی‌های مسلح و... کشته شده‌اند و خلاصه اگر رژیم را نه بواسطه کردارها و گفتارهای مجزا بلکه در کلیت خویش سنگرم آنگاه در خواهیم یافت که دژحیم مردم ستمدیده و زحمت‌کشان ایران خود را برای “غسل شهادت” آماده می‌کند و برین ناشی از جنین شهادت‌سی افتخاری، درنده‌خونی او را صد چندان کرده است. در این میان گریز بخش وسیعی از مردم از مرکز جاذبه‌ی حاکمیت اسلام و کراش آنها بسوی آل‌ترناشیوهای دیگر که لزوما همگی مترقی و انقلابی

نیستند منحصر به اسزوی رژیم در حاکمیت، گشته است. اسزوی دردناکی که تنها با شعارهای گونخراش، بی‌معنوی، فالسی و زورگنی حزب الهی‌های جاسوس اندک تلمسی می‌یابد. و این اگر بمعنای سقوط نام و تمام رژیم جمهوری اسلامی نباشد! اما تل غم‌زده‌ی سقوط جمعی و اجتناب‌ناپذیر جناح خاتم‌ان، هست.

اعتراف صریح گردانندگان رژیم به لزوم تشکیل یک سازمان اطلاعاتی (ساواکا) و مهم‌تر از آن تشویق مردم برای تراکت در جنبش تشکیلاتی علاوه بر اینکه عمق استیصال رژیم و عدم کفایت نهادهای سرکوب‌علنی و غیر علنی آن را نشان میدهد، نشان از جهت‌حرکت رژیم برای تکمیل

سازماندهی تشکیلاتی نظیر ساواک (ساواکا) را نیز دارد. البته این اقدام چند روز اخیر نیست بلکه از همان آغاز بقدرت رسیدن رژیم، ایده‌ی تشکیل چنین سازمانی مسود شوافق جمع شرکت‌کنندگان در حاکمیت بود. کما اینکه امیرانتظام سخنگوی دولت بازرگان در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی ضرورت حفظ، نگهداری و استفاده از دستگاههای پیچیده و حساس ساواک را گوشزد نمود. و امروز کرجه بازی قدرت امیرانتظام را به گوشه‌ی زندان برتاب کرده است. اما بهبود نسبی همای او در جناح دیگر همان ایده را البته با آب و تاب بیشتر و بیاری “مردم” می‌خواهد متحقق کند.

بهر حال واقعیت این است که دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی به هر نامی که خوانده شوند (ساوا - ساواک - ساواک - کاک - ب - میت و ساواکا...) و هر هدفی که تعقیب کنند (جراست از جهان آزاد - دفاع از رژیم شاه - هشتاد و پنج - حفظ “اردوگاه سوسالیم” - و یا جراست از “اسلام” و گسترش آن)، همزاد رژیم‌های استعمارگر

ارتجاعی و فداکاری اند. سخن بر سر آن نیست که کدام رژیم، کدام جناح و کدام ایدئولوژی مسلط می‌شود، بلکه مهم این است که همدی رژیم‌های ارتجاعی بطور کلی برای ادامه‌ی سلطتی استعمارگراندی خود ناچار از برپا شدن چنین دستگاههایی هستند. اگر جناب بی‌شخصی که بی‌ارز و قابیح اخیر به تنها بیوسن هایش را از صادر آوردند بلکه به ۱۱ میلیون رای او نیز دهن کجی نمودند، نیز بر مسند قدرت بیکه تازی می‌کرد، بی شک در فکر بازسازی ساواکا می‌آمد. فراموش نخواهم کرد که او نیز در سخنرانی‌های خود فرمان بسیج ۲۶ میلیون از مردم مسلمان را برای سرکوب اعتراضات کارگری، سرکوب دانشگاه و سرکوب جنبش کردستان صادر کرد. همانگونه که قدرتمندان کنونی با خوشبختاری وهم آلودی تصور می‌کنند که ۲۶ میلیون از مردم جامعه‌ی ما “ساواکی‌های مسلمان” هستند.

گذشته از این، برای آنکه رژیم بتواند دستگاه اطلاعاتی‌اش را سازمان دهد، به تن “بیشترگان روح‌اللد” کفن جاسوسی ببوشاید، ساواکی‌های شاه را بحرکتی “ساواک‌های امام” در آورد، همد را از دم تیغ بگذراند، برای انجام این همه کار “انقلابی” ناگزیر از سپردن کسری از نجارب سازمانهای جاسوسی جهانی است. بنا بر این از این پس باید انتظار ظهور “ما موران سیا بود که بجای، مهدی موعود”، “عدل و داد اسلامی” را در جامعه‌ی ما مستقر گردانند.

فتار گستاخانه و بی‌بروای رژیم که از حوزه‌ی مسائل سیاسی به قلمرو فرهنگی و حتی مسائل خصوصی نیز کشیده شده است، شامل حال اکثریت عظیم جامعه می‌باشد. از این رو اکثریت مردم نه تنها در برنامه “جاسوس‌سازی همگانی” رژیم شرکت نمی‌کنند بلکه در جریان نظاره‌ات و مبارزات انقلابی، در خانه‌های خود را برای انقلابیون می‌گشایند و در عمل و در حد توان به رشد مبارزه‌ی توده‌ای و هموار کردن بستر سقوط رژیم ارتجاعی یاری می‌رسانند. یعنی در واقع شرکت عمومی مردم در مبارزه برای سرنگونی رژیم - با هر انگیزه‌ای - و نفرت و انزجار سبزی یا بدبختان

بر ترس و وا همدی رژیم از سقوط جمعی بیافزاید، ترسی که بی شک انگیزه‌ی اصلی اقدامات ددمنشانه‌ی او را در اعدام‌های بی‌دری، کشتار خیابانی، تعقیب مبارزان، تفتیش منازل و بسیج جاسوسان جدید الولاده را تشکیل میدهد. از هم‌اکنون می‌توان بحرات پیش‌بینی کرد که ساواک‌های رژیم را متنی فداکاره‌بند و جاقوکش تشکیل خواهند داد و نه مردمی که تیغ دشمنی آنان را بر کلوی خود حس کرده‌اند و بهیمن دلیل می‌توان مطمئن بود که این دسته ارتجاعی نیز در برتو مقاومت مردم و بی‌اعتنائی آمیخته با انزجار آنان از این گونه کردارهای فاشیستی و نیز افشاگریها و روشنگری‌های نیروهای انقلابی نقش بر آب خواهد شد.